

مردسالاری فاجعه محور

پاندمی کرونا و برافروختن جنگ علیه زنان

وی (ایوانسلر)



ترجمه‌ی شیوا عاملی راد شفيعی



«مشکل کرونا نیست، بلکه آن چیزی که قرنطینه و این پاندمی بار دیگر به رخ ما می‌کشد این است که مردسالاری همچنان با اقتدار سرپا ایستاده است»

با جهانی‌شدن کرونا، انفجار خشونت علیه زنان و هجوم به حقوق آنان شدت بیش‌تری گرفته است. بنابراین، دیگر زمان مقابله در برابر سیستمی که زنان را قربانی و حقوق آنان را نادیده می‌گیرد فرا رسیده است. در مردسالاری فاجعه‌محور، امنیت، توان اقتصادی، استقلال و تحصیلات زنان از دست رفته و آنان بدون هیچ حمایتی به صف مقدم [مقابله با پاندمی] رانده و قربانی می‌شوند. بحران کرونا، آزادی زنان را با شدت هر چه بیشتر به قهقرا برده است. با مشاهده‌ی این وضعیت، فکر می‌کنم که شاهد نوعی جهش در گسترش مردسالاری فاجعه‌محور هستیم.

ناومی کلاین^۱ اولین کسی بود که اصطلاح «سرمایه‌داری فاجعه‌محور» را مطرح کرد، به این معنا که سرمایه‌داری در بحران‌های ایجاد شده، تدابیری در خصوص به‌دست آوردن سودهای عظیم تحمیل می‌کند که در شرایط عادی امکان چنین سودآوری‌های را ندارد. مردسالاری فاجعه‌محور یک روند موازی و مکمل [سرمایه‌داری فاجعه‌محور] است، جایی که مردان برای برقراری مجدد کنترل و سلطه‌ی خود از یک بحران سوءاستفاده و به‌سرعت حقوق زنان را نقض می‌کنند. در سراسر جهان، مردسالاری از ویروس کرونا نهایت استفاده را کرده است تا قدرت خود را بازپس بگیرد. این مسئله از طرفی، باعث افزایش خطر و خشونت برای زنان، و از سوی دیگر باعث شده است تا مردان به‌عنوان کنترل‌کننده و به‌اصطلاح محافظت‌گر زنان وارد عمل شوند.

برای تدوین این مقاله ماه‌ها وقت صرف مصاحبه با فعالان و رهبران تشکل‌های مدنی و مردم‌نهاد در سراسر جهان، از کنیا تا فرانسه و تا هند شده است تا روند چگونگی تأثیر کرونا بر زندگی زنان، براساس پاسخ‌های خود آن‌ها، مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج مشترک میان تمامی این کشورها بر پنج عامل اساسی تأکید دارد: در مردسالاری بحران‌محور، زنان ایمنی، توان اقتصادی، استقلال و امکان تحصیل را از دست می‌دهند و آنان بدون هیچ حمایتی به صف مقدم [مقابله با پاندمی] رانده و قربانی می‌شوند.

¹ Naomi Klein

من تاندازه‌ای برای استفاده از واژه‌ی «مردسالاری» مردد هستم؛ چراکه شنیدن این واژه برای عده‌ای سردرگم‌کننده است و نیز افرادی هستند که آن را مفهومی کهن می‌دانند. من سعی کرده‌ام تا اصطلاحی جدیدتر و معاصرتر را برای آن تصور بکنم، اما متوجه شده‌ام که ما چگونه در گذر زمان مرتباً زبان را تغییر می‌دهیم، و چگونه توصیفات خود را به‌منظور انطباق با وحشت‌های جدید، به‌روز و مدرن می‌کنیم. به‌عنوان مثال به همه‌ی عناوینی که برای عمل کتک‌زدن زن توسط شریک زندگی خود استفاده کرده‌ایم توجه کنید. ابتدا این کلمه ضرب‌و‌شتم بود و سپس به خشونت خانگی، بعدترها به خشونت در روابط صمیمی، و در نمونه‌ی کاملاً متأخر عنوان این عمل به تروریسم صمیمانه^۱ تغییر یافته است. ما پیاپی در حال انجام کار مشقت‌بار پالودن [مفاهیم] و روشننگری هستیم، در عوض این‌که باید تلاش کنیم تا مردسالاران درک خود را از سیستمی که در حال نابودی کره‌ی زمین است، تعمیق ببخشند. بنابراین، من به این کلمه [یعنی مردسالاری] مقید می‌مانم.

در این دوران ویرانگر کرونا، شاهد انفجار خشونت علیه زنان بوده‌ایم، چه زنان سیس‌جندر^۲ (هم‌سوجنسی) و چه دیگرانی که هویت‌های جنسی جدید دارند. در این دوران قرنطینه، تروریسم صمیمانه، فضای خانه را به نوعی شکنجه‌گاه برای میلیون‌ها زن تبدیل کرده است. هم‌زمان که قرنطینه جهان را به سمت فضای آن‌لاین هول داده است، ما شاهدگسترش به نمایش گذاشته شدن ویدیوهای پورن انتقام‌گیرانه^۳ هستیم. در متن این سوءاستفاده‌ی جنسی دیجیتال، تهدید شرکای عاطفی برای به اشتراک گذاشتن تصاویر و ویدیوهای جنسی بدون رضایت قربانیان، به بخش مرکزی خشونت خانگی تبدیل شده است.

شرایط قرنطینه - محصور شدن در فضای خانه، ناامنی اقتصادی، وحشت از بیماری و مصرف بیش از حد مشروبات الکلی - بستری برای سوءاستفاده مهیا کرده است. تعیین این‌که کدام‌یک از این پی‌آمدها مخمل‌تر است آسان نیست؛ اما واقعیت این‌ست که در

¹ Intimate terrorism

² Cisgender

³ Revenge porn

سال ۲۰۲۱، هنوز هزاران مرد تمایل دارند و همچنان خود را محق می‌دانند که همسر، دوست دختر و فرزندان خود را کنترل، شکنجه و ضرب‌وشتم کنند، و ظاهراً هیچ دولتی در برنامه‌ی خود به این جنبه از پی‌آمد قرنطینه فکر نکرده بود.

از زمان اعمال قرنطینه، صدها زن و دختر در پرو مفقود شده‌اند که ترس از مرگ آن‌ها وجود دارد. بر اساس ارقام رسمی که الجزیره گزارش کرده، ۶۰۶ دختر و ۳۰۹ زن از ۱۶ مارس تا ۳۰ ژوئن سال ۲۰۲۰ ناپدید شده‌اند. تعطیلی مدارس در سراسر جهان، احتمال بروز انواع خشونت را افزایش داده است.

شبکه‌ی ملی تجاوز، سوءاستفاده‌ی جنسی و زنا با محارم^۱ آمریکا اعلام کرده است که در دوران قرنطینه با میزانی از تقاضای دریافت حمایت و کمک از طرف قربانیان تجاوز جنسی روبه‌رو بوده که در طول ۲۶ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. چراکه کودکان در خانه محصور شده و در معرض سوءاستفاده‌ی افراد متعرض هستند و حتی دیگر امکان و توانایی گزارش این وضعیت به معلمان یا دوستان خود را ندارند. بر پایه‌ی گزارش لوئیزا ریزیتلی^۲ فعال ایتالیایی، تماس رایگان با شماره‌ی «علیه خشونت ملی»^۳ از یکم مارس تا ۱۶ آوریل ۲۰۲۰ افزایشی ۷۳ درصدی داشته است. در مکزیک، متصدیان پاسخ به تماس‌های اضطراری، بالاترین آمار دریافت این تماس‌ها را در طول تاریخ این کشور اعلام کرده‌اند. همچنین تعداد زنانی که متقاضی خانه‌های امن هستند چهار برابر شده است. بدتر این‌که، بسیاری از دولت‌ها دقیقاً در بحرانی‌ترین و ضروری‌ترین زمان ممکن، بودجه‌ی خوابگاه‌ها و خانه‌های امن را کاهش داده‌اند که به نظر می‌رسد این وضعیت در سراسر اروپا صادق باشد. گزارشگران دیده‌بان حقوق بشر در انگلستان اعلام کرده‌اند که بحران کرونا، عدم دسترسی زنان مهاجر، سیاه، آسیایی و اقلیت به خدمات را تشدید کرده است. سازمان‌هایی که با این جمعیت‌ها کار می‌کنند اعلان داشته‌اند که نابرابری پایدار به مشکلات بیشتری در رابطه با دستیابی غیر حضوری

¹ [Rape Abuse and Incest National Network](#)

² Luisa Rizzitelli

³ National anti-violence

به خدماتی مانند آموزش، بهداشت و دریافت حمایت‌های جبرانی در شرایط بحرانی برای این گروه‌ها منجر شده است.

در آمریکا، بیش از ۵ میلیون شغل مختص زنان از ابتدای شیوع پاندمی کرونا تا نوامبر ۲۰۲۰ از بین رفته است. زیرا بسیاری از کارهای زنان نیازمند حضور فیزیکی و ارتباط با مردم است - مانند رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، مراقبت از کودکان، مراکز درمانی - در نتیجه زنان از اولین کسانی بودند که شغل خود را از دست دادند. افرادی که توانستند شغل خود را حفظ کنند، اغلب کارکنان صف‌مقدم بودند که بنا به موقعیت شغلی خود، در معرض خطر جدی قرار گرفته بودند. حدود ۷۷٪ از کارکنان بیمارستان و ۷۴٪ از کارکنان مدرسه را زنان تشکیل می‌دهند با وجود این به دلیل فقدان ایجاد مراکز و افراد در پرستاری از کودکان در دوران کرونا، بسیاری از این زنان قادر به بازگشت به کار خود نبوده‌اند. داشتن فرزند هیچ‌گاه چنین تأثیری را بر شرایط زندگی و کار مردان ندارد. نرخ بیکاری زنان سیاه و لاتین قبل از ویروس کرونا نیز بالا بود و اکنون بسیار وخیم‌تر شده است.

اوضاع برای زنان در سایر نقاط جهان وخیم‌تر شده است. شبنم هَشمی^۱، یکی از فعالان برجسته‌ی زنان در هند، به آمار سرسام‌آور ۳۹٫۵ درصدی زنانی اشاره می‌کند که تا آوریل سال ۲۰۲۰ کار خود را از دست داده‌اند. هَشمی می‌گوید: «کار در خانه برای زنان بسیار پرهزینه بوده است، چرا که نه تنها فضای شخصی زنان کاملاً محو شده، بلکه حجم کاری‌شان نیز سه برابر شده است.» در ایتالیا، شرایط اضطراری سلامت، نابرابری‌های موجود را تشدید کرده است. ریزیتلی، خاطر نشان می‌کند که زنان در حال حاضر با درصد اشتغال کم‌تر، حقوق پایین‌تر و قراردادهای بی‌ثبات و متزلزل‌تری روبه‌رو هستند و به‌ندرت در مشاغل مطمئن شرکتی استخدام می‌شوند. زنان اولین آسیب‌دیدگانی هستند که از اثرات بحران رنج می‌برند. ریزیتلی می‌گوید: «نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، نژادی و جنسیتی که قبلاً وجود داشته است، اکنون بسیار چشمگیرتر شده است که به یقین عواقبی طولانی‌مدت‌تر نسبت به خود ویروس کرونا خواهند داشت.»

¹ Shabnam Hashmi

وقتی زنان تحت فشار مالی بیشتری قرار گیرند، تمامی ابعاد حقوق انسانی آن‌ها با شدت بیشتری پایمال می‌شود. با بحران اقتصادی ناشی از کرونا، قاچاق سکس و کار^۱ بار دیگر در حال افزایش است. زنان جوانی که برای پرداخت اجاره‌خانه‌ی خود در مضیقه هستند، در فرایندی که تحت‌عنوان «اخاذی جنسی»^۲ شناخته می‌شود، طعمه‌ی موجران می‌شوند.

اغراق‌آمیز نیست اگر که میزان خستگی، اضطراب و ترسی را که زنان برای مراقبت از خانواده متحمل می‌شوند، بدون این که وقت استراحت و زمان آزادی برای خود داشته باشند، فرم نامحسوسی از جنون بدانیم. زنان از بیماران، نیازمندان و افراد در حال مرگ مراقبت می‌کنند، اما چه کسی از خود آنها مراقبت می‌کند؟ کولانی هلاتجوکو،^۳ از فعالین در پادشاهی اسواتینی،^۴ می‌گوید: «هنجارهای اجتماعی که بار مراقبتی سنگینی بر دوش زنان و دختران می‌گذارد، به‌طور محتمل سلامت جسمی و روانی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد.» این ساختارها همچنین منجر به عدم دسترسی به آموزش، آسیب‌های معیشتی و نیز موجب سلب منابع پشتیبانی از زنان می‌شود.

بر اساس تخمین یونسکو، با فروکش کردن پاندمی کرونا، بیش از ۱۱ میلیون دانش‌آموز دختر ممکن است به مدرسه برنگردند. ولو این که، صندوق مالالاه^۵ آمار بسیار بالاتری - ۲۰ میلیون - را پیش‌بینی می‌کند. فومزیل ملامبو-نگکوکا،^۶ از سازمان ملل برای برابری جنسیتی و توانمندی زنان،^۷ می‌گوید که این سازمان از زمان اجلاس زنان سازمان ملل در پکن در سال ۱۹۹۵ تاکنون برای تحصیل دختران مبارزه کرده است؛ او می‌گوید: «درصد بیشتر دانش‌آموزانی که احتمال عدم برگشت آنها به مدرسه وجود

1 Sex- and labour-trafficking

2 Sextortion

3 Colani Hlatjwako

4 Kingdom of Eswatini

5 Malala Fund

6 Phumzile Mlambo-Ngcuka Phumzile Mlambo-Ngcuka

7 UN Women

دارد را دختران تشکیل می‌دهند.» همچنین وی اظهار می‌کند که «هرچند ما در وضعیتی فوق‌العاده نبودیم اما آنچه که بسیار اهمیت داشت این بود که همچنان در حال پیشرفت بودیم و توانسته بودیم دختران را برای سال‌های طولانی‌تری در مدرسه نگه‌داریم، اما با وضعیت پیش‌آمده، این آمار تخمینی برای میزان ترک‌تحصیل دختران در طول یک‌سال بسیار ویرانگر است.» این پدیده جدی‌ترین و بارزترین مسئله‌ی مورد توجه در میان تمامی شکست‌ها و تنزل‌های یک سال گذشته است. دختران با قرار گرفتن در فرایند تحصیل و آموزش، به حق و حقوق خود واقف می‌شوند و در پی دستیابی به مطالبات خود خواهند بود. همچنین آن‌ها امکان اشتغال و مراقبت از خانواده‌ی خود را دارند. اما زمانی که دسترسی به تحصیل برای‌شان میسر نشود، به‌عنوان فردی به‌شمار می‌روند که باعث افزایش فشار به نظام اقتصادی خانواده می‌شوند، و همین شرایط اکثریت غالب این دختران را در مسیر ازدواج زود هنگام قرار می‌دهد.

وضعیت پیش‌آمده پی‌آمدهای ویژه‌ای برای ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان^۱ دارد. آموزش دختران باعث آگاه‌سازی آنان می‌شود و در نتیجه این خود مانعی برای ختنه خواهد بود. اغلب اوقات پدران می‌پذیرند که دختران‌شان تحصیل کنند، چراکه می‌توانند از طریق تحصیل نان‌آور خانواده شوند. اما اگر هیچ آموزشی وجود نداشته باشد، روش‌های سنتی از سر گرفته می‌شود، به‌طوری که دختران می‌توانند به‌زای شیربها فروخته شوند. همان‌طور که اگنس پارویو،^۲ رئیس هیئت مقابله با ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان کنیا می‌گوید: «کرونا مدارس ما را تعطیل کرد و دختران ما را به خانه بازگرداند و کسی از آنچه که این دختران در خانه‌ها متحمل می‌شوند مطلع نیست.» همچنین وی اظهار می‌دارد که «ما می‌دانیم که اگر شما یک دختر را آموزش دهید، ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان اتفاق نمی‌افتد و شرایط کنونی ایجاد شده متأسفانه در جهت مقابل این واقعیت است.»

¹ Female genital mutilation (FGM)

² Agnes Pareyio

در ماه‌های ابتدایی پاندمی کرونا، من در ارتباط نزدیک با وضعیت پرستاران در آمریکا بودم که بیشتر آن‌ها زن هستند. من با اتحاد ملی پرستاران،^۱ بزرگ‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه‌ی پرستاران کار کردم و با بسیاری از پرستاران شاغل در صف‌مقدم مصاحبه کردم. آنان در ماه‌هایی متوالی، در شیفت‌های ۱۲ ساعته و طاقت‌فرسا، در فضاهای آزاردهنده و آسیب‌زای روحی و روانی تا سرحد مرگ کار می‌کردند. تنها زمانی را که امکان اعتراض به کمبود تجهیزات محافظتی شخصی داشتند، همان زمان بسیار کوتاه استراحت وعده‌ی غذایی بود، که این به خودی خود، آنان را بیشتر در معرض آسیب قرار می‌داد. به همان میزانی که به ذهن کسی خطور نمی‌کرد که حبس کردن زنان و کودکان در خانه‌هایی که ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند به چه معناست، کسی نیز فکر نمی‌کرد که اعزام پرستاران به محیطی بسیار مسری و بدون تجهیزات حفاظتی شخصی مناسب چگونه می‌تواند باشد. در بعضی از بیمارستان‌های آمریکا، پرستاران به جای لباس استریل بیمارستانی (گان)، کیسه‌های زباله می‌پوشیدند و بارها از ماسک‌های یک‌بار مصرف استفاده می‌کردند. آنها حتی اگر علایم بیماری کرونا داشتند، مجبور می‌شدند در محل کار خود بمانند.

نحوه‌ی برخورد با پرستارانی که برای نجات ما جان خود را به خطر انداخته بودند، نوعی خشونت و بی‌حرمتی تکان‌دهنده بود. اما باید در نظر داشت که علاوه بر پرستاری، بسیاری از مشاغل خطرناک دیگر نیز برای زنان وجود دارد. از کارگران انبار که در حال بسته‌بندی و حمل کالاها هستند تا زنانی که در مرغداری‌ها و صنایع گوشت کار می‌کنند و بدون داشتن فضای مناسب کاری، در مجاورت هم، حتی در زمان بیماری، مجبور به کار هستند.

یکی از تحولات تکان‌دهنده در خصوص کارگران رستوران‌های «انعامی»^۲ در آمریکا است که دستمزد آنان غیرقابل‌باور است: ۲,۱۳ دلار (۱,۵۰ پوند) در هر ساعت، که همچنان در ۲۲ سال گذشته ثابت مانده است. در این رستوران‌ها نه تنها کار بسیار محدود شده است، بلکه انعام به طرز چشم‌گیری برای زنان شاغل کاهش یافته است. نیز

¹ National Nurses United

² Tipped

اکنون تحقیق جدیدی به نام «آزار و اذیت ماسکورال»^۱ رواج یافته است، به این معنا که مشتریان مرد اصرار دارند که پیشخدمت‌ها ماسک خود را بردارند تا بتوانند بر اساس مقبولیت چهره‌ی آنان، به این زنان انعام دهند.

افول حمایت‌های قانونی از زنان کارگر مزرعه در آمریکا برای این گروه زنان کاملاً محسوس است. میلی تروینو سوسدا،^۲ مدیر اجرایی یک مزرعه‌ی صنعتی بیان می‌کند که چگونه فشار بر روی کارگران زن مزرعه افزایش یافته است؛ «این زنان در معرض مسمومیت با سموم دفع آفات، سوءاستفاده‌ی جنسی و استرس گرمایی هستند درحالی‌که به دلیل کرونا نظارت کم‌تری از طرف سازمان‌های دولتی صورت می‌گیرد.» بحران کرونا، دو ایده‌ی متناقض را در مواجهه با مبحث زنان آشکار کرده است: اولین مورد این است که حضور زنان در تمامی جنبه‌های زندگی و بقای نوع انسان، حیاتی و ضروری است. و دوم این‌که حق و حقوق آنان بسیار به‌آسانی قابل نقض است و نادیده گرفته می‌شود. اما این همان دوگانه‌ای است که مردسالاری ریشه‌ی آن را در تاروپود جامعه گسترانده است و بحران کرونا فقط آن را آشکار کرده است. اما اگر بخواهیم به‌عنوان گونه‌ی انسانی به حیات ادامه دهیم، این تناقض باید رفع شود.

برای شفافیت بیشتر، باید خاطرنشان کرد که معضل اصلی در اینجا، بحران کرونا نیست، بلکه آن چیزی که قرنطینه و این پاندمی باردیگر به رخ ما می‌کشد این است که مردسالاری همچنان با اقتدار سرپا ایستاده است و خود را در هر شرایط بحرانی بازسازی خواهد کرد. چراکه واقعاً هیچ‌گاه از بین نرفته است و تنها مانند یک ویروس درمان‌نشده با رسیدن به شرایط مساعد خود، برای انتقام بازخواهد گشت.

واقعیت این است که تا زمانی که فرهنگ تغییر نکند و تا زمانی که مردسالاری ریشه‌کن نشود، این چرخه‌ی معیوب پیوسته ادامه خواهد یافت. با بیرون آمدن از کرونا، باید جسور، شجاع، قاطع و خشمگین و با باوری رادیکال‌تر زندگی کنیم. ما نیازمند ایجاد، ادامه و گسترش جنبش‌های مدنی فعال هستیم. ما به همه‌ی زنان مترقی و نیز زنانی که در جایگاه قدرت هستند نیاز داریم، برای درهم‌شکستن و از بین بردن ساختار

¹ Maskular harassment

² Mily Treviño-Sauceda

مردسالاری که ریشه‌ی بسیاری از دیگر ظلم‌ها و ستم‌هاست؛ از امپریالیسم تا نژادپرستی، از ترنس‌هراسی^۱ تا بدنام و ناامن کردن زمین، به یک ابتکار جهانی در مقیاس طرحی مانند طرح مارشال یا بزرگ‌تر از آن نیاز داریم.

قدم اول ادعان عمومی [به وخامت وضع موجود] و آموزش در مورد ماهیت مردسالاری و فهمی است که ما را به قهقرا رسانده است. آگاهی‌رسانی مداوم، مجامع و گفت‌وگوهای عمومی و برنامه‌های پژوهشی که نشان دهد چگونه مردسالاری به دیگر اشکال ظلم و ستم منجر شده است. هنر نیز می‌تواند منجر به تسکین ضربات روحی روانی، غم، پرخاشگری، اندوه، عصبانیت شود و به بهبودی افراد کمک کند. قابل‌استنباط است که فرهنگی که حافظه‌ی تاریخی ندارد و از پرداختن به گذشته‌ی خود امتناع می‌کند، تکرار فلاکت‌ها و سوءاستفاده‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. مراکز اجتماعی و مذهبی به اعضا کمک می‌کنند تا با تروماهای خود کنار بیایند. ما هنر گوش‌دادن و همدلی کردن را تمرین می‌کنیم. جبران و عذرخواهی در مجامع عمومی و در جلسات خصوصی انجام می‌شود. یادگیری هنر عذرخواهی اهمیت به‌سزایی دارد.

گردا لرنز، نویسنده‌ی فمینیست، در سال ۱۹۸۶ نوشت: «در یک برساخت تاریخی سیستم مردسالاری، یک تاریخ آغاز دارد و بنابراین پایانی نیز خواهد داشت. به نظر می‌رسد زمان آن تقریباً طی شده است. و دیگر پاسخ‌گوی نیازهای زنان و مردان نیست. نیز ارتباط غیرقابل رفع آن با نظامی‌گری، سلسله‌مراتب و نژادپرستی خود حیات بر روی کره‌ی زمین را مورد تهدید قرار داده است.»

مردسالاری با تمام قدرتی که دارد فقط یک داستان است؛ همان‌طور که دوران پساپاندمی دارد گشوده می‌شود، آیا می‌توانیم سیستم دیگری را تصور کنیم که مبتنی بر سلسله‌مراتب، خشونت، سلطه، استعمار، اشغال و تسخیر نباشد؟ آیا می‌توانیم ارتباط [مستقیم] بین افول ارزش زنان، آسیب‌رساندن و سرکوب آنان با تخریب خود کره‌ی زمین را بینیم؟ چه می‌شد اگر مانند خویشاوندان همدیگر زندگی می‌کردیم؟ چه می‌شد اگر با هر شخص به‌گونه‌ای تعامل می‌کردیم انگار که او برای گشوده شدن داستان انسانیت جایگاهی حیاتی و ارزشمند دارد؟ چه می‌شد اگر به جای استثمار، سلطه و

¹ Transphobia

آسیب‌رساندن به زنان و دختران در مواقع بحران، جهانی را طراحی می‌کردیم که برای آن‌ها ارزش قائل باشد، آن‌ها را آموزش دهد، به آن‌ها حمایت مالی کند، به آن‌ها گوش داده، از آن‌ها مراقبت کند و آن‌ها را محور زندگی قرار دهد؟